زوال ولایت مهرجان‌قذق بر اساس متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی*

خداکرم مظاهری[1]
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی ایلام
محسن زینی‌وند
دانشجوی دکتری رشتهٔ باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان
بهرام کریمی
کارشناس ارشد تاریخ ایران
(از ص۸۵ تا ص۱۰۲)
تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۲؛ تاریخ پذیرش مقاله:۹۳/۱۲/۱۰

چکیده

بررسی متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی حاکی از آن است که ولایت مهرجان‌قذق یکی از مناطق مهم ایران بوده که در محدودهٔ شهرستان دره‌شهر، به‌ویژه درهٔ سیمره، شکل گرفته و تاریخ حیات آن به دورهٔ اشکانی برمی‌گردد. داده‌های باستان‌شناسی در تأیید متون تاریخی، هم توالی استقرار از دورهٔ اشکانی تا قرن ۴ هجری در درهٔ سیمره را نشان می‌دهد و هم بیانگر آن هستند که این منطقه طی قرون ۳ و ۴ هجری بیش از سایر دوره‌ها رونق داشته است. نمونه‌های سفالی کشف‌شده در جریان مطالعات باستان‌شناسی از نظر گاه‌نگاری از قرن ۴ هجری جلوتر نمی‌رود. لذا می‌توان گفت که ولایت مهرجان‌قذق در همین قرن ۴ هجری متروکه شده است. این زمان با گزارش‌های تاریخی همخوانی دارد که به رخداد زلزله، شیوع وبا و وقوع سیل در این قرن اشاره می‌کنند. از سوی دیگر، متون تاریخی، داده‌های باستان‌شناسی و موقعیت و وسعت شهر تاریخی دره‌شهر حاکی از این است که این محوطهٔ باستانی همان شهر سیمره، مرکز ولایت مهرجان‌قذق، است.

واژه‌های کلیدی: کاوش‌های باستان‌شناسی، جغرافیای تاریخی، مهرجان‌قذق، درهٔ سیمره، دره‌شهر

---

* این مقاله برگرفته از پژوهشی است که با عنوان «بررسی، شناسایی و تحلیل نتایج بلایای طبیعی ادوار گذشته در محدودهٔ در سیمره» و با استفاده از بودجهٔ پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام انجام گرفته است.
۱. رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول: kh.mazaheri@yahoo.com

۱. مقدمه

نوشته‌های برجای‌مانده از مورّخان، سیّاحان، جغرافی‌نویسان و نویسندگان ایرانی و یا عرب مانند ابن خردادبه (م۲۳۰ هـ ق)، یعقوبی (م۲۸۰ هـ ق)، یاقوت حموی (م۳۲۶ هـ ق)، مسعودی (م۳۴۵ هـ ق)، اصطخری (م ۳۴۶ هـ ق)، ابن حوقل (م۳۶۷ هـ ق)، مقدسی (م ۳۸۷ هـ ق)، حموی (م ۶۲۶ هـ ق)، ابن‌اثیر (م ۶۳۰ هـ ق)، دمشقی (م ۷۲۷ هـ ق) و حمدالله مستوفی (م۷۵۰ هـ ق)، اطلاعات فراوانی در مورد جنبه‌های مختلف زندگی گذشتگان در اختیار می‌گذارد و ترکیب و تلفیق این قبیل آگاهی‌ها با داده‌های باستان‌شناسی زمینهٔ لازم را برای درک بهتر شواهد و مدارک کشف‌شده از گذشتگان فراهم می‌آورد. ولایت مهرجان‌قذق یکی از مناطق مهم غرب ایران در ادوار گذشته است که به شکل پراکنده در متون تاریخی از آن نام برده شده است. در این مقاله در نظر داریم تا از یک سو با مطالعه و بررسی متون تاریخی به معرفی اوضاع و احوال این ولایت بپردازیم و از سوی دیگر بکوشیم تا با کنار هم قرار دادن داده‌های مکتوب و باستان‌شناسی به بررسی زمان و علت زوال آن پردازیم شود. سؤالات مهم در این زمینه عبارتند:

دورهٔ حیات ولایت مهرجان‌قذق چه گسترهٔ زمانی بوده است؟

چه علت یا عواملی موجب اضمحلال ولایت مهرجان‌قذق شده است؟

ویرانه‌های شهر تاریخی دره‌شهر چه نقشی در تاریخ حیات ولایت مهرجان‌قذق داشته است؟

۲. ولایت مهرجان‌قذق در منابع تاریخی

دو ولایت مهرجان‌قذق (مهرگان‌قذق، مهرجان‌کذک، مهرجان‌قذب، مهرکان‌کدک) به مرکزیت سیمره (یا صیمره) و ماسبذان (ماسذان، ماسپندان، ماسبتان، ماسه‌بدان) به مرکزیت سیروان (یا شیروان) در محدودهٔ استان امروزی ایلام واقع بوده‌اند. طبق گفتهٔ یعقوبی، در زمان ساسانیان این دو ولایت جزو استان قهستان بوده‌اند (یعقوبی، ۱/۱۳۷۸: ۲۱۸). با افتادن منطقه به دست مسلمانان استفاده از اصطلاح «جبال» یا کوهستان برای نامیدن این منطقه و نواحی پیرامون آن مرسوم گردید. اصطخری در ذیل ذکر شهرهای جبال، آنها را چنین بر می‌شمرد:

همدان، رودراور، رامن، وروکرد، فراونده، شابرخواست، لاشتر، قصر دزدان، اسدآباد، دینور، کرمانشاهان، مرج، طزر، حورمه، سهرورد، ابهر، سمنان، قم، قاشان، روده، بوسنه، کره، بره، گربایگان، سرای متصل و دوان، سپاهان، جهودستان، خان لنجان، باره، صیمره، سیروان، دور بنی‌راسبی، طالقان، قزوین، قصرالبراذین، زنجان (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۶۴).

ابن حوقل نیز به همین شکل به ذکر شهرهای مشهور جبال پرداخته است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۵). امروزه ویرانه‌های سیروان مرکز ولایت ماسبذان در روستای سرابکلان در نزدیک شهر لومار (مرکز شهرستان سیروان) واقع است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۴–۵۸؛ مظاهری، ۱۳۹۱: ۶۵). لسترنج در این ارتباط چنین آورده: «در باختر لر کوچک، در مرز باختری عراق عجم، دو ولایت ماسبذان و مهرجان‌قذق قرار دارد که مهم‌ترین شهرهای آنها سیروان و صیمره بوده و هنوز خرابه‌های آن دو شهر باقی است» (لسترنج، ۱۳۸۳: ۲۱۸). بنابراین، براساس منابع تاریخی، ولایت مهرجان‌قذق یکی از ولایات سرزمین جبال بوده که در منابع تاریخی، به هنگام معرفی سرزمین جبال، به آن اشاره شده است.

۲–۱. موقعیت ولایت مهرجان‌قذق

ابن خردادبه سیمره را از ولایت مهرجان‌قذق می‌داند و حدود تقریبی و میزان تقریبی خراج آن را چنین بیان می‌کند: « از حلوان تا شهرزور ۹ چاپار، از حلوان تا سیروان شهر ماسبذان ۷ چاپار، از سیروان تا سیمره شهر مهرجان‌قذق ۴ چاپار است و مالیات ماسبذان و مهرجان‌قذق سه هزار و پانصد هزار درهم است» (ابن‌خردادبه،۱۳۷۰: ۳۳). مسعودی نیز سیمره را از ولایت مهرجان‌قذق می‌داند (مسعودی، ۱۳۸۱: ۴۸). یاقوت حموی بدین شکل سیمره و مهرجان‌قذق را بین دیار جبال و خوزستان معرفی می‌کند: «صیمره شهری است از نواحی جبل از سوی خوزستان و آن را به نام مهرجان‌قذق نامیده‌اند و آن آبادان و دارای میوه‌ها و آب‌ها است» (یاقوت‌حموی،۱۳۶۲: ۱۲۵).

ابن احمد جیهانی (۱۳۶۸: ۱۰۳)، ابن حوقل (۱۳۴۵: ۲۲ ، ۱۰۲)، اصطخری (۱۳۶۸: ۸۹) و ابوالفداء (۱۳۴۹: ۳۵۴)، موقعیت تقریبی سیمره را در شمال و شمال غربی خوزستان قرار داده‌اند. حاصل مطلب ایشان چنین است که:

> در پنجاه میلی خاوری ماسبذان، شهر صیمره که با سیروان بی‌شباهت نبود قرار داشت و مدت زمانی پس از خراب شدن سیروان، شهری آباد و محل آن نیز از سیروان بهتر بود. ولایت مهرجان‌قذق که محیط بر صیمره بود در قرن چهارم به کثرت نعمت شهرت داشت (لسترنج، ۱۳۸۳: ۲۱۸).

بنابراین ولایت مهرجان‌قذق در محدودهٔ شهرستان دره‌شهر و به‌ویژه درهٔ سیمره قرار داشته است. شهرستان دره‌شهر یکی از شهرستان‌های استان ایلام است. مرکز این شهرستان شهر دره‌شهر است که در فاصلهٔ حدوداً ۱۳۰ کیلومتری جنوب‌شرقی مرکز استان قرار دارد. این شهرستان از دو سمت جنوب و شمال به ترتیب محدود است به دو عارضهٔ طبیعی کبیرکوه و رودخانهٔ سیمره (کرخه). موقعیت سوق‌الجیشی دیوارهٔ عظیم کبیرکوه با تنگه‌های زیبای آن و غارها و اشکفت‌هایی که در دیواره‌های صخره‌ای ارتفاعات منشعب از آن ایجاد شده و رودخانه‌ها و چشمه‌هایی که از دامنه‌های آن سرچشمه می‌گیرد از یک سو و رودخانهٔ حیات‌بخش سیمره از سوی دیگر و همچنین شرایط آب و هوایی معتدل منطقه و اراضی رسی و آبرفتی و غنی آن موجب گردیده که این منطقه از قدیم‌الایام مورد توجه گروه‌های انسانی قرار گیرد. از نظر کیفیت آب و هوایی و وسعت و غنای اراضی قابل کشت و زرع، درهٔ سیمره مهم‌ترین قسمت شهرستان مذکور است. قسمت اعظم این دره در بخش مرکزی شهرستان دره‌شهر واقع است. طول درهٔ سیمره در حدود ۳۰ کیلومتر و عرض (شمالی ـ جنوبی) آن، بین کبیرکوه و رودخانه سیمره مابین یک تا ده کیلومتر متغیر است. درهٔ سیمره جنوبی‌ترین و پست‌ترین درهٔ منطقهٔ پیشکوه (محدودهٔ جغرافیایی مابین کبیرکوه در غرب و سفیدکوه در شرق) است. از نکات قابل توجه این است که مهم‌ترین معابر کبیرکوه در امتداد درهٔ سیمره واقع است. از سوی دیگر، وجود بقایای پل‌های باستانی گاومیشان، چم نمشت و جایدر در منطقه حاکی از این است که از گذشته همواره رفت و آمد از طریق درهٔ سیمره بسیار بوده است (نقشهٔ ۱).

اشمیت، ضمن بررسی‌های درهٔ سیمره و پیرامون آن، از این دره به عنوان گذرگاه اصلی فرهنگ‌های کوهستان‌ها و دشت جنوب غربی ایران نام برده است (اشمیت، ۱۳۷۶: ۱۱۷). در هزاره‌های گذشته زمین‌لغزه‌ای، که طبق گزارش‌ها عظیم‌ترین نوع لغزش در جهان بوده، در ضلع شمال شرقی درهٔ سیمره و در فاصلهٔ حدوداً ۵ کیلومتری جنوب شرقی پل گاومیشان رخ داده و موجب مسدود شدن مسیر رودخانه سیمره گشته و به‌تدریج دریاچه‌ای در پشت آن و در طول درهٔ سیمره شکل گرفته است. در هنگام شکل‌گیری این دریاچه در پشت سد، لایهٔ ضخیمی از گل و لای رودخانه سیمره در سراسر کف دریاچه انباشت شده است. این پدیده سبب ایجاد یک بستر مناسب با خاک حاصلخیر شده، به

طوری که این نوع خاک به‌ندرت در قسمت‌های دیگر کمربند کوهستانی جنوب غرب ایران یافت می‌شود (Harrison, 1946: 62).

۲-۱. ولایت مهرجان‌قذق قبل از اسلام بر اساس متون نوشتاری

تاکنون هیچ‌گونه نوشتاری از دوران قبل از اسلام در مورد ولایت مهرجان‌قذق به دست نیامده و تمام آگاهی‌های تاریخی ما در مورد وجود این ولایت در قبل از اسلام، به نوشته‌های مربوط به نویسندگان قرون نخستین دوران اسلامی بر می‌گردد. بر اساس گفتهٔ دینوری، در دورهٔ اشکانیان و در ایّام بعثت عیسی بن مریم (ع)، اردوان پسر اشه پسر اشکان (پادشاه ناحیهٔ جبال)، بر نواحی ماهان، همدان، ماسبذان، مهرجان‌قذق و حلوان حکومت می‌کرده است (دینوری، ۱۳۸۴: ۶۶). مقدسی، از قول قباد ساسانی، سرزمین مهرجان‌قذق را جزو دلگشاترین سرزمین‌ها و مردم آنجا را جزو خردمندترین مردمان معرفی می‌کند (مقدسی، ۲/۱۳۶۱: ۳۷۱-۳۷۵). یکی از مشهورترین شخصیت‌های ولایت مهرجان‌قذق هرمزان است که از سرداران نامی یزدگرد سوم بود. هرمزان در حضور عمر خلیفهٔ مسلمین، خود را مهرجانی (اهل مهرجان‌قذق) معرفی می‌کند (طبری، ۱۳۸۴: ۳۸۱ ، ۳۸۶؛ دینوری، ۱۳۸۴: ۶۷).

در مورد چگونگی و مسیر ورود مسلمانان و سال فتح مهرجان‌قذق و سیمره نقل قول‌های مختلفی وجود دارد. بلاذری ابتدا می‌گوید که در سال ۲۱ هجری بعد از فتح نهاوند و ماسبذان، شهر سیمره و تمام کوره‌های مهرجان‌قذق به صلح گشوده شد. سپس بیان می‌کند که استوارترین خبر این است که از سمت اهواز فتح شده است (بلاذری،۱۳۶۷ : ۴۳۳). دینوری مسیر حملهٔ مسلمانان و تصرف سیمره را از سمت خوزستان و اهواز و بعد از فتح شوش در سال ۱۷ هجری بیان نموده است (دینوری، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

۲-۲. اوضاع جغرافیایی ولایت مهرجان‌قذق بر اساس متون

در متون تاریخی به محصولات کشاورزی متنوع و فراوان و اوضاع مطلوب جغرافیایی ولایت مهرجان‌قذق اشارات زیادی شده است. یعقوبی چنین می‌گوید:

> اگر کسی بخواهد بر استان‌های ماسبذان و مهرجان‌قذق و صیمره بگذرد، هنگام عبور از پل نهروان به طرف دست راست رهسپار گردد و شش منزل تا شهر ماسبذان سیر کند و ... از شهر سیروان تا شهر صیمره که شهرستانی است معروف به مهرجان‌قذق، دو منزل راه است و شهر صیمره در مرج افیح واقع است و در

آن مرغزار، چشمه‌ها و نهرهایی است که آبادی‌ها و مزرعه‌ها را مشروب می‌کند و اهل آن مردمی به‌هم‌آمیخته از عرب و عجم و از فارس و کردهایند و... (یعقوبی، ۲/۱۳۵۶: ۴۳-۴۴).

اصطخری نیز در مورد اوضاع شهرهای سیمره و سیروان چنین آورده:

و اما صیمره و سیروان دو شهر کوچکند با آب بسیار و غالب بنیاد خانه‌های ایشان از گل و گچ می‌باشد و انواع فواکه که در شهرهای گرمسیر و سردسیر می‌باشد در ایشان هر دو مجتمع می‌شود، مثل خرما و گردکان و برف و ترنج و غیره. و ایشان دو شهر خوش و نزه‌اند و آب در تمامیت محله‌ها و کوچه‌های ایشان روانه می‌رود و در کوهستان به هیچ شهری درخت خرما نیست الا به صیمره و سیروان و شابرخواست، جهت آنکه به عراق تلاطقی و قربتی دارند (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۶۵-۱۶۶).

ابودلف در سفرنامهٔ خود، علاوه بر اشاره به زیبایی و آبادانی شهر سیمره، می‌گوید: «میان صیمره و (طرهان) پل بزرگ، زیبا و عجیبی بر پا می‌باشد که دو برابر پل خانقین است» (ابودلف، ۱۳۴۲: ۶۰-۶۱). ویرانه‌های این پل، که امروزه به نام پل چم نمشت معروف است، در آن سوی رودخانهٔ سیمره و در مرز شهرستان دره‌شهر و استان لرستان واقع است. ابن فقیه همدانی از سیمره سخن رانده است و بیان می‌کند که «حکیمان گفته‌اند: زیباترین جاها، چه در گذشته و چه در حال، جندی‌شاپور است که حصن آباد دارد و سیمره است که دو دژ دارد و نصیبین که رود هرماس دارد» (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۲۳-۲۴). ابن خردادبه نیز به قلعه‌های سیمره اشاره کرده است (ابن‌خردادبه،۱۳۷۰: ۱۴۷). ابن حوقل نیز، علاوه بر اشاره به زیبایی و آبادانی و محصولات کشاورزی شهرهای سیمره و سیروان، مصالح ساختمان‌های این شهرها را با مصالح به کار رفته در ساختمان‌های شهرهای موصل و تکریت مقایسه می‌کند (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۱۲-۱۱۳) و ابن احمد جیهانی نیز به همین شکل به معرفی شهرهای سیمره و سیروان می‌پردازد (ابن احمد جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۰۳).

در مورد میزان مالیات ولایات ماسبذان و مهرجان‌قذق، که خود گویای عمران و آبادانی و وفور نعمت در این نواحی است، ابن خردادبه مبلغ سه میلیون و پانصد هزار درهم را ذکر نموده است (ابن خردادبه ۱۳۷۰: ۳۳). یعقوبی نیز نوشته که خراج شهرهای سیروان و سیمره به دو میلیون و پانصد هزار درهم می‌رسد (یعقوبی، ۲/۱۳۵۶: ۴۴). قدامةبن‌جعفر بیان می‌کند که مالیات مهرجان‌قذق، که مرکزش سیمره است، یک میلیون و یکصد هزار درهم است (قدامةبن‌جعفر ۱۳۷۰: ۱۴۲-۱۴۳).

۲-۳. چگونگی زوال ولایت مهرجان‌قذق بر اساس متون تاریخی

متون تاریخی و پژوهش‌های باستان‌شناسی (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱۲؛ گراوند و زینی‌وند، ۱۳۹۲: ۴۷۷ و تصویر ۳؛ کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸: ۵۲)، معلوم می‌کند که در قرون سوم و چهارم هجری زلزله‌های شدیدی در ولایات ماسبذان و مهرجان‌قذق رخ داده که موجب ویرانی شهرهای مهم سیمره و سیروان و روستاها و توابع آنها گردیده است. ابن اثیر وقوع زلزلهٔ قرن سوم هجری در سیمره را چنین گزارش می‌کند: «در سال ۲۵۸ هجری زمین‌لرزه‌ای مهیب در سیمره واقع شد و روز بعد سخت‌تر بود که قسمت عمده شهر ویران شد و دیوارها فرو ریخت و بیست‌هزار تن از اهالی را کشت» (ابن اثیر، ۱۰/۱۳۸۲: ۴۳۱۶ ؛ طبری، ۱۵/۱۳۶۸: ۴۳۳۶). در آثار جدید نیز در کتاب *تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران* این زلزله معرفی شده است (امبرسز و ملویل، ۱۳۷۰: ۱۳۴).

در قرن چهارم هجری زلزله‌های شدید دیگری در مصر و شام و مهرجان‌قذق و ماسبذان روی داد و افراد زیادی را از بین برد. مسعودی از چگونگی وقوع این زلزله شدید خبر می‌دهد:

> در ماه رمضان ۳۴۴ هجری نزدیک سی زراع از بالای مناره (مناره‌ای در ساحل اسکندریه مصر) از زلزله‌ای که در مصر و بیشتر دیار شام و مغرب در یک وقت رخ داد، ویرانی گرفت و ما در فسطاط بودیم که اخبار متواتر آن به ما رسید. زلزله‌ای سخت و هول‌انگیز بود و نیم ساعت دوام داشت و ... ما بیشتر نقاطی را که به فراوانی زلزله معروف است دیده‌ایم. چون سیراف ساحل فارس که ما بین دو کوه است و دیار صیمره از ولایت مهرگان‌قذق و ماسبذان از سرزمین جبال که در دامنه کوهی به نام کبر است (مسعودی، ۱۳۸۱: ۱۴ ، ۴۸).

با توجه به گزارش ابودلف، که به سال ۳۴۱ هجری از سیمره گذشته و آن را توصیف نموده و هیچ مطلبی در مورد ویرانی این شهر یا زلزله‌ای که سال‌های قبل از سفر او روی داده عنوان نکرده (ابودلف،۱۳۴۲: ۶۰-۶۱)، جای تردید است که قبول کنیم قبل از سال ۳۴۱ هجری زلزله‌ای با آن کیفیت که ذکر شده در سیمره رخ داده باشد. ظاهراً همان طوری که لسترنج نیز اشاره نموده (لسترنج، ۱۳۸۳: ۲۱۸)، شهر سیروان زودتر و در سال ۲۵۸ هجری و شهر سیمره در سال ۳۴۴ هجری در اثر وقوع این زلزله‌ها ویران شده‌اند.

در متون جدیدتر دیگر خبری از آبادانی و عمران ولایت مهرجان‌قذق دیده نمی‌شود و مستوفی در قرن هشتم گفته است که«صیمره شهری نیک بوده است و اکنون خراب است» (حمدالله مستوفی،۱۳۶۲: ۷۱). به احتمال زیاد زلزله شدید و فراگیر سال ۳۴۴ هجری موجب از بین رفتن شهر سیمره و ویرانی ایالت مهرجان‌قذق شده است. علاوه بر رخداد

زلزله سال ۳۴۴ هجری، در سال ۳۴۷ هـق در سرزمین جبال بیماری و با شیوع می‌یابد و مردم بسیاری را در کام مرگ فرو می‌برد ابن اثیر در این رابطه می‌گوید:

در این سال (۳۴۷ هـق) در سرزمین جبال بیماری وبا پدید آمد که بیشترینهٔ باشندگان آن بمردند. شمار زنان و کودکان در میان مردگان بیشتر بود. مردم نمی‌توانستند به دیدار بیماران روند یا جنازهٔ آنها را همراهی کنند، زیرا که شمار مردگان بسیار فراوان بود (ابن اثیر، ۱۲/۱۳۸۲: ۵۰۵۲ ، ۵۰۶۴ –۵۰۶۸).

یکی دیگر از بلایای طبیعی که در قرن چهارم هجری در سرزمین جبال رخ داده سیل بزرگ سال ۳۷۸ هجری بود که موجب ویرانی راه‌ها و تخریب مزارع کشاورزی شده است.

در این سال (۳۷۸ هجری) در سرزمین جبال پیاپی باران بارید و آسمان، آذرخش و تندر همی بزد و تگرگ‌های درشت باریدن گرفت و دره‌ها از آب آکنده شد و رودها و چاه‌ها پر آب شدند و سراها ویران گشتند و قنات‌ها از گل و سنگ پر و راه‌ها بسته شدند (ابن اثیر، ۱۲/۱۳۸۲: ۵۲۹۹–۵۳۰۰).

بدین ترتیب، مشاهده می‌شود که تمام آگاهی‌های تاریخی ما در مورد ولایت مهرجان‌قذق به نوشته‌های مربوط به نویسندگان قرون اولیه دوران اسلامی بر می‌گردد. بر از این منابع می‌توان دریافت که ولایت مهرجان‌قذق یکی از ولایات سرزمین جبال بوده که احتمالاً در محدودهٔ شهرستان دره‌شهر و به ویژه درهٔ سیمره واقع بوده و زمان شکل‌گیری آن به دورهٔ اشکانیان می‌رسد. در منابع تاریخی به محصولات کشاورزی متنوع و فراوان و اوضاع مطلوب جغرافیایی ولایت مهرجان‌قذق اشارات زیادی شده است. این سرزمین در قرن ۴ هجری دچار بلایای طبیعی متعددی می‌شود که منجر به پایان حیات آن می‌گردد.

۳– داده‌های باستان‌شناسی

پس از مرور منابع تاریخی، در این قسمت به بررسی و معرفی نتایج مطالعات باستان‌شناسی انجام‌شده در حوزهٔ مورد مطالعه می‌پردازیم. در این ارتباط، ابتدا در ذیل پیشینه مطالعات باستان‌شناسی، به تحقیقات و مطالعات انجام‌شده در سال‌های قبل از انقلاب می‌پردازیم، سپس کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی انجام‌شده در سال‌های بعد از انقلاب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۳– ۱. پیشینهٔ مطالعات باستان‌شناسی

اولین دانشمندی از درهٔ سیمره بازدید نمود هنری راولینسون بود. در سال ۱۸۳۶ م، در طی مسافرت خود از منطقهٔ ذهاب به سمت خوزستان، از میان درهٔ سیمره عبور کرده است. در

این زمان پل گاومیشان سالم بوده و راولینسون از روی آن گذشته است. راولینسون از خرابه‌های شهر تاریخی دره‌شهر بازدید نموده و از آن با عنوان شهر سیمره نام برده، این شهر را با سیروان مقایسه کرده و آن را مربوط به دورهٔ ساسانی دانسته است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۴ - ۶۷). ژاک دومرگان در سال ۱۸۹۱ م، در جریان انجام مطالعات جغرافیایی در منطقهٔ غرب ایران، در ضمن عبور از درهٔ سیمره، اطلاعات مفیدی را برای باستان‌شناسان فراهم ساخت. او تصور می‌کرد که ماداکتو، را در مجاورت دره‌شهر بازیافته است. دومرگان مشاهدات خود را از شهر تاریخی دره‌شهر چنین بیان می‌کند: «من فکر می‌کنم در دره‌شهر خرابه‌های دومین پایتخت عیلام، ماداکتو، را باز یافته‌ام» (دومرگان، ۱۳۳۹: ۲۱۶ ، ۲۵۰). امّا در مطالعات بعدی مشخص شد که این محل ماداکتو نیست. در سال ۱۹۳۶ م، اورل‌اشتاین به همراه بهمن کریمی، پس از بازدید خوزستان، وارد لرستان شد. وی که از دزفول حرکت کرده بود و از لرستان غربی و شمالی بازدید نموده بود، از درهٔ سیمره نیز گذشته بود. یکی از مهم‌ترین مکان‌های باستانی درهٔ سیمره که مورد مطالعهٔ اشتاین قرار گرفته شهر تاریخی دره‌شهر است. اشتاین می‌گوید که این محوطه کاملاً منطبق با شهر سیمره است که در آثار جغرافیدانان و مورخان معرفی شده است (Stine,1940: 206). در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه دههٔ ۷۰ و ۸۰ هش، مطالعات باستان‌شناسی گسترده‌ای در حوزه درهٔ سیمره انجام شده که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۳-۲. کاوش‌های باستان‌شناسی

شهر تاریخی دره‌شهر، در دامنهٔ جنوب غربی شهر جدید دره‌شهر، بقایای یکی از مهم‌ترین شهرهای باستانی غرب ایران است که از نظر وسعت بزرگ‌ترین محوطهٔ تاریخی در استان ایلام به شمار می‌آید؛ وسعت آثار باقیمانده آن به ۱۲۰ هکتار می‌رسد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲). اهمیت این محوطه در این است که علاوه بر این که یکی از بزرگ‌ترین محوطه‌های تاریخی غرب کشور است، کاوش‌های باستان‌شناسی گسترده و طولانی‌مدتی در آن انجام شده است. همان طوری که اشاره گردید و از مطالعهٔ متون تاریخی بر می‌آید، در دورهٔ ساسانی شهری به نام سیمره وجود داشته که مرکز ولایت مهرجان‌قذق بوده است. اغلب پژوهشگران (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۴ – ۶۷؛ لک‌پور، ۱۳۷۸: ۱۹۰؛ شهبازی، ۱۳۹۱: ۶۹؛ کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸: ۶۱ ؛ Stein, 1940: 206) ویرانه‌های شهر تاریخی دره‌شهر را همان شهر سیمره می‌دانند.

پس از انقلاب، باستان‌شناسان ایرانی پژوهش‌های جدیدی را در درهٔ سیمره و شهر تاریخی دره‌شهر انجام دادند. در سال ۱۳۶۲هش هیأتی از سوی مرکز باستان‌شناسی ایران برای بررسی منطقه و گمانه‌زنی به سرپرستی سیف‌الله کامبخش‌فرد به دره‌شهر اعزام شد. در این مطالعات، ضمن تهیهٔ نقشه حریم شهر تاریخی دره‌شهر، چند محوطهٔ باستانی نیز مورد بررسی و گمانه‌زنی قرار گرفت (کامبخش فرد، ۱۳۶۸: ۳۴ -۶۶). یکی از نقاطی که کامبخش‌فرد کاوش نمود تپهٔ پامیل است که درون محدودهٔ شهر تاریخی دره‌شهر واقع بوده و در واقع بلندترین نقطهٔ این شهر تاریخی است. در این محل و در عمق حدوداً ۷ متری نسبت به سطح اراضی پیرامون، آثار دورهٔ ساسانی آشکار شده است (همو: ۴۰). جدیدترین طبقهٔ تپهٔ پامیل در نتیجهٔ زلزله‌های فوق‌الذکر تخریب و ویران شده است، همچنین در طبقهٔ دوم نیز آثار وقوع زلزله مشاهده شده است (همو: ۵۲). کامبخش‌فرد معتقد است که درهٔ سیمره در دورهٔ ساسانی در اوج اقتدار خود به سر می‌برده است. وجود پل‌ها، بناها، قلعه‌ها و شهرهای ساسانی، که بقایای آن به‌وفور در جای‌جای درهٔ سیمره دیده می‌شود، گویای این امر است. در دورهٔ اسلامی نیز تا قرن پنجم درهٔ سیمره مرکز معتبری بوده است (همو: ۶۱).

در بخش دیگری از شهر تاریخی دره‌شهر، اولین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در بهمن ماه ۱۳۷۴ هش به سرپرستی نصرت‌الله معتمدی به مدت ۴۵ روز انجام گردید. در این پژوهش سیمین لک‌پور نیز شرکت داشته است. در فصول بعدیِ کاوش‌ها، ادامهٔ کاوش و خاکبرداری از خرابه‌های این شهر تاریخی به لک‌پور واگذار گردیده و به مدت ۹ فصل ادامه یافته است (لک‌پور، ۱۳۷۸: ۱۸۷– ۲۱۸؛ ۱۳۸۹: ۱۵).

لک‌پور ابتدا معتقد بود که ویرانه‌های شهر تاریخی دره‌شهر در واقع همان شهر سیمره، مرکز ولایت مهرجان‌قذق، است و گفته است که پس از ورود مسلمانان به سیمره، این شهر توسعه یافته تا جایی که در سده‌های اولیه اسلامی از عظمت و وسعت زیادی برخوردار شده و تا دورهٔ آل‌بویه پا برجا بوده و موقعیت خود را حفظ کرده است و در نهایت در سال ۲۵۸ هق در اثر وقوع زلزله ویران شده و متروک گردیده است (همو، ۱۳۷۸: ۱۹۰ و ۲۰۷). با این حال، در گزارش‌های بعدی بر او معلوم شد که در کاوش‌های شهر تاریخی دره‌شهر تاکنون مدارکی در مورد شکل‌گیری این شهر در دورهٔ اشکانی و ساسانی یا مدارکی در مورد ساخت این شهر در ادوار پیش از اسلام به دست نیامده است و زمان

حیات این شهر در محدودهٔ زمانی بین اواسط قرن ۲ تا اواسط قرن ۴ هـق بوده است (همو، ۱۳۸۹: ۱۴، ۱۱۳ و ۱۲۵)، و گفته است که اصطلاح سیمره را بعدها برای این محوطه به کار برده‌اند (همو: ۱۱۴) و شهر تاریخی دره‌شهر همان «هاشمیه» اولین پایتخت عباسیان، است (همو: ۱۲۵). امّا در هیچ یک از منابع تاریخی این موضوع تأیید نشده است (همو: ۱۲۰-۱۲۲). منابع تاریخی موقعیت شهر هاشمیه را نه در ولایت مهرجان‌قذق، بلکه در جوار فرات و مابین کوفه و حیره معرفی می‌کنند (یعقوبی، ۱۳۴۷: ۸-۹).

لک‌پور در مورد زمان متروکه شدن شهر تاریخی دره‌شهر هم می‌گوید که این شهر در طول حیات خود با دو زلزلهٔ بزرگ مواجه شده و ساکنین شهر بعد از وقوع زلزلهٔ اول در قرن سوم هجری مجدداً شهر را بر پا نگه داشته و سپس بعد از زلزلهٔ دوم در اواسط قرن چهارم، به علت تخریب شدید و گستردگی ویرانی‌ها، شهر تخلیه و متروکه شد (همو: ۱۱۲). مدارک به دست آمده حاکی از آن است که پس از این واقعه، سالیان سال زندگی شهری از درهٔ سیمره رخت بر بسته و این منطقه تبدیل به سکونتگاه موقت عشایر گردیده است (همو، ۱۳۷۸: ۲۰۹ ؛ دومرگان، ۱۳۳۹: ۱۹۰-۱۹۱)، تا این که در سدهٔ اخیر، به دلیل یکجانشینی تدریجی عشایر منطقه، شهر جدید دره‌شهر در کنار ویرانه‌های شهرتاریخی دره‌شهر بر پا شد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

پژوهش‌های اخیر در حوزهٔ سد سیمره منجر به شناسایی محوطه‌ای با وسعتی نزدیک به ۳۰ هکتار شده که امروزه به نام برزقواله خوانده می‌شود. این محوطه در سال ۱۳۸۹ به وسیلهٔ آرش لشگری و کامیار عبدی کاوش نجات‌بخشی شد (لشگری و دیگران، ۱۳۹۰). آثار مکشوفه از این محوطه نیز حاکی از وقوع یک زلزله است (گراوند و زینی‌وند، ۱۳۹۲: ۴۷۷ و تصویر ۳). در نتیجهٔ کاوش‌ها در محوطه برزقواله یک بنای یادمانی از دورهٔ ساسانی کشف و این محوطه به عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی با محل شهر ساسانی سیمره مطرح شد (گراوند و زینی‌وند، ۱۳۹۲: ۴۷۷). به هر حال، کاملاً روشن است که این محوطه از نظر وسعت و موقعیت نمی‌تواند قابل مقایسه با شهر سیمره توصیف‌شده در منابع تاریخی باشد.

۳-۳. بررسی‌های باستان‌شناسی

در سال ۱۳۸۴ هش جهت شناسایی و ثبت آثار تاریخی و همچنین ترسیم اطلس باستان‌شناسی کشور، بخش مرکزی شهرستان دره‌شهر، که متشکل از دو دهستان ارمو و

زرین‌دشت است، در طی دو فصل مورد بررسی و شناسایی باستان‌شناسی قرار گرفت (شهبازی، ۱۳۸۵؛ مظاهری، ۱۳۸۵). در مجموع دو فصل تعداد ۲۴۶ محوطه و بنا از دورهٔ نوسنگی متأخر تا قرن حاضر شناسایی گردید. در واقع، فصل اول بر نیمهٔ غربی درهٔ سیمره متمرکز گردید و فصل دوم بر نیمهٔ شرقی.

در جریان بررسی‌های فصل اول تعداد ۸۰ اثر باستانی مورد شناسایی و مطالعه قرار گرفت. در پایان مطالعات این فصل مشخص گردید که محدودهٔ مورد مطالعه در دوره‌های اشکانی، ساسانی و قرون اولیه اسلامی رونق زیادی داشته و سکونت‌گاه‌های بسیاری در این ادوار شکل گرفته است. افزایش جمعیت، رونق کشاورزی و ساخت قلعه‌ها و استحکامات در این دوره‌ها کاملاً آشکار است. بزرگ‌ترین محوطهٔ شناسایی‌شده محوطهٔ شاه‌نشین سیکان است که حدود ۲۰ هکتار وسعت دارد و یافته‌های فرهنگی آن به دوره‌های اشکانی، ساسانی و قرون اولیهٔ اسلامی تاریخ‌گذاری شده است (شهبازی، ۱۳۸۵: ۱۱۱، ۱۴۴، ۱۴۸). روند افزایش جمعیت منطقه و تعداد سکونت‌گاه‌ها از دورهٔ اشکانی به سمت قرون اولیهٔ اسلامی بارز است. بر اساس نتایج این بررسی، به ترتیب اهمیت، قرون اولیهٔ اسلامی، دورهٔ ساسانی و دورهٔ اشکانی مهم‌ترین ادوار فرهنگی محدوده هستند. پس از قرون اولیهٔ اسلامی، تا اوایل دورهٔ قاجاریه، درهٔ سیمره نزدیک به ۹ قرن از رونق افتاده و علت آن به احتمال زیاد همان زلزله‌های قرون سوم و چهارم بوده است (همو: ۱۴۸ – ۱۵۰).

در نتیجهٔ بررسی‌های فصل دوم نیز ۱۶۶ اثر باستانی مورد شناسایی و مطالعه قرار گرفت و مشخص شد که محدودهٔ مورد مطالعه در دوره‌های اشکانی، ساسانی و قرون اولیهٔ اسلامی رونق زیادی داشته و سکونت‌گاه‌های بسیاری در این ادوار شکل گرفته است. در نیمهٔ شرقی درهٔ سیمره نیز روند افزایش جمعیت منطقه و تعداد سکونت‌گاه‌ها از دورهٔ اشکانی به سمت قرون اولیهٔ اسلامی بارز است، به طوری که در بررسی‌های فصل دوم در ۳۷ نقطه آثار دورهٔ اشکانی، در ۶۲ محل آثار دورهٔ ساسانی و در ۶۴ محل آثار فرهنگی قرون اولیهٔ اسلامی شناسایی گردید (مظاهری، ۱۳۸۵). بسیاری از محوطه‌ها دربرگیرندهٔ انباشت‌های فرهنگی سه دورهٔ متوالی اشکانی، ساسانی و قرون اولیه اسلامی هستند؛ به طور مثال محوطهٔ بزرگ تپه‌تپه (تپه‌تپهٔ ۱ تا ۵)، به وسعت حدود ۱۳ هکتار، در برگیرندهٔ انباشت‌های فرهنگی سه دوره مذکور است (همو: ۵۷۵-۶۱۴؛ شکل ۲). از دیگر محوطه‌های مهم شناسایی‌شده در این بررسی محوطهٔ ۱۴ هکتاری یوژاندر۲ است با انباشت‌های

فرهنگی دورهٔ ساسانی و قرون اولیه اسلامی (همو: ۱۰۲۷-۱۰۴۱)، دژ چوبینه و محوطه‌های مجاور آن با انباشت‌های فرهنگی دورهٔ اشکانی و ساسانی (همو: ۹۶۵-۹۹۶) و محوطه چم نمشت۱ و بنای مدفون مجاور آن، که به نام چهارطاقی مشهور است، که دربرگیرنده انباشت‌های فرهنگی دوره‌های اشکانی، ساسانی و قرون اولیهٔ اسلامی هستند (مظاهری، ۱۳۸۵: ۳۱۳-۳۳۴؛ علیبیگی، ۱۳۹۱).

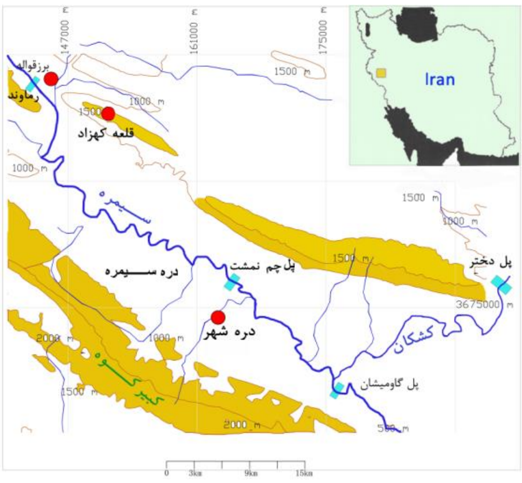
یکی از آثار شاخصی که در فصل دوم شناسایی و مطالعه شد، تپهٔ قلعه‌گل (قلاگل) است که در شمال شرق شهر دره‌شهر، در میان منازل مسکونی منطقه قلعه‌گل و در فاصلهٔ حدوداً یک کیلومتری شمال شهر تاریخی دره‌شهر قرار دارد. ابعاد تپهٔ قلعه‌گل ۵۰ × ۸۵ متر است و در واقع بقایای مخروبهٔ یک قلعهٔ باستانی است که در ساخت آن از همان مصالح شهر تاریخی دره‌شهر استفاده شده است. در پیرامون آن هم آثار ۱۲ برج نیم‌دایره‌ای دیده می‌شود. قلعه‌گل احتمالاً بقایای قلعهٔ حکومتی شهر تاریخی دره‌شهر بوده که در اثر گسترش ساخت‌وسازهای شهر جدید دره‌شهر، ظاهراً جدا از شهر تاریخی به نظر می‌رسد. مواد فرهنگی آن به دوران اشکانی، ساسانی و اسلامی تعلق دارند. از سفال‌های شاخص گردآوری‌شده (شکل ۱) در بررسی این اثر می‌توان به سفال‌های گونه جلینگی اشاره نمود (مظاهری، ۱۳۸۵: ۵۱۲- ۵۱۶). به هر حال، با توجه به این داده‌های باستان‌شناسی (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸: ۴۰؛ مظاهری، ۱۳۸۵: ۵۱۲-۵۱۶)، آگاهی‌های منابع تاریخی و موقعیت و وسعت شهر تاریخی دره‌شهر، به نظر می‌رسد که این محوطهٔ تاریخی همان شهر سیمره مرکز ولایت مهرجان‌قذق است.

۴. نتیجه

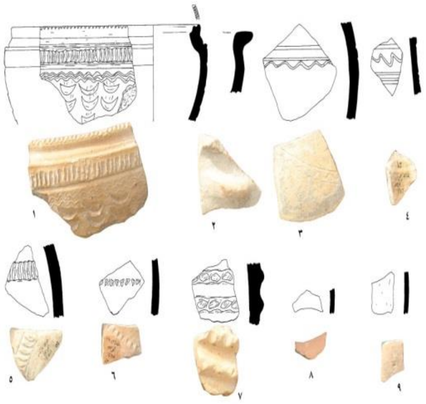
در این مقاله تلاش شد تا با کنار هم قرار دادن داده‌های مکتوب و باستان‌شناسی، از یک سو به معرفی ولایت مهرجان‌قذق بپردازیم و از سوی دیگر سعی شد تا زمان و علت زوال این منطقه مورد بررسی قرار گیرد. تمام آگاهی‌های تاریخی ما در مورد ولایت مهرجان‌قذق، از نوشته‌های مربوط به قرون اولیه دوران اسلامی به دست می‌آید. نوشته‌های مذکور حاکی از این است که ولایت مهرجان‌قذق یکی از مناطق مهم غرب ایران بوده که تاریخ حیات آن به دورهٔ قبل از اسلام برمی‌گردد. در دورهٔ فتوحات مسلمانان این ولایت به صلح فتح شده است. مهرجان‌قذق در دورهٔ ساسانی و قرون اولیهٔ اسلامی

منطقه‌ای آباد بوده تا این که در قرن چهارم هجری دچار بلایای طبیعی متعدد شده و مخصوصاً زلزله‌ها منجر به ویرانی این ایالت و پایان حیات آن شده‌اند.

بررسی داده‌های باستان‌شناسی گویای این است که ولایت مهرجان‌قذق در انتقال از عصر ساسانی به دورهٔ اسلامی نه تنها دچار زوال و انحطاط نگردیده، بلکه روند رو به رشد و رونق آن تداوم یافته، به طوری که در قرون اولیهٔ اسلامی شاهد افزایش سکونت‌گاه‌های هستیم. داده‌های باستان‌شناسی در تأیید متون تاریخی، علاوه بر آن که توالی استقرار از دورهٔ ساسانی تا قرن چهارم در درهٔ سیمره را نشان می‌دهد، بیانگر آن هستند که این منطقه طی قرون سوم و چهارم بیش از سایر دوره‌ها رونق داشته است. با توجه به این که نمونه‌های سفالی که در جریان کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی در نقاط مختلف درهٔ سیمره به دست آمده، از نظر گاه‌نگاری از قرن چهارم جلوتر نمی‌رود، می‌توان گفت که ولایت مهرجان‌قذق در همان قرن متروکه شده است. این زمان با گزارش‌های تاریخی همخوانی دارد که به وقوع زلزله‌ای عظیم در این قرن اشاره می‌کنند، به‌ویژه این که در آثار معماری کاوش‌شده، آثار تخریب بناها در اثر زلزله مشاهده شده است. از سوی دیگر، با توجه به متون تاریخی، داده‌های باستان‌شناسی و موقعیت و وسعت شهر تاریخی دره‌شهر، به نظر می‌رسد که این محوطهٔ باستانی همان شهر سیمره مرکز ولایت مهرجان‌قذق است.



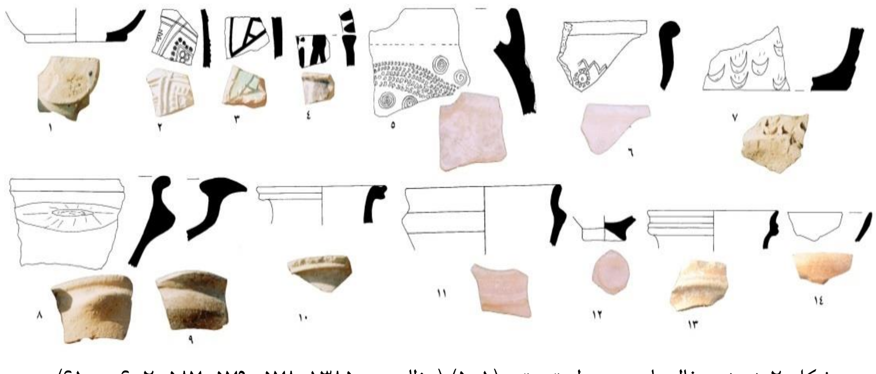
نقشه ۱: موقعیت درهٔ سیمره در شهرستان دره‌شهر



شکل ۱: نمونه سفال‌های قلعه‌گل (مظاهری، ۱۳۸۵: ۵۱۵-۵۱۶)

جدول ۱: کاتالوگ شکل ۱

ردیف	توصیف سفال (رنگ خمیره، رنگ سطح درونی، رنگ سطح بیرونی، تزیین)	دوره	نمونه قابل مقایسه
۱	قهوه‌ای، نارنجی، قهوه‌ای، تزیین ترکیبی فلسی، کنده و طنابی خطی	ساسانی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۷
۲	قهوه‌ای، قهوه‌ای، قهوه‌ای	ساسانی	
۳	قهوه‌ای تیره، قهوه‌ای نارنجی، قهوه‌ای نارنجی، تزیین کنده	ساسانی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۲۳
۴	قهوه‌ای، نارنجی، نخودی، تزیین کنده	ساسانی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۲۳
۵	قهوه‌ای، قهوه‌ای، نخودی، تزیین کنده	ساسانی	
۶	خاکستری، خاکستری، قهوه‌ای، تزیین فشاری	ساسانی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۳۲
۷	قهوه‌ای، قهوه‌ای، قهوه‌ای، تزیین طنابی انگشتی	ساسانی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصاویر ۳۵ و ۴۴
۸	خاکستری، قهوه‌ای، قهوه‌ای، جلینگی	اشکانی	
۹	خاکستری، قهوه‌ای، قهوه‌ای، جلینگی	اشکانی	



شکل ۲: نمونه سفال‌های محوطه تپه تپه (۱-۵) (مظاهری، ۱۳۸۵: ۵۷۸-۵۷۹، ۵۸۷، ۶۰۲ و ۶۱۰)

جدول ۲: کاتالوگ شکل ۲

ردیف	توصیف سفال (رنگ خمیره، رنگ سطح درونی، رنگ سطح بیرونی، تزیین)	دوره	نمونه قابل مقایسه
۱	قهوه‌ای، نارنجی، قهوه‌ای، تزیین ترکیبی فلسی، کنده و طنابی خطی	ساسانی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۷
۲	قهوه‌ای، قهوه‌ای، قهوه‌ای	ساسانی	
۳	قهوه‌ای تیره، قهوه‌ای نارنجی، قهوه‌ای نارنجی، تزیین کنده	ساسانی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۲۳
۴	قهوه‌ای، نارنجی، نخودی، تزیین کنده	ساسانی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۲۳
۵	قهوه‌ای، قهوه‌ای، نخودی، تزیین کنده	ساسانی	
۶	خاکستری، خاکستری، قهوه‌ای، تزیین فشاری	ساسانی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۳۲

منابع

ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۲). *تاریخ کامل*، جلدهای ۹ ، ۱۰، ۱۲، ترجمهٔ حمید آژیر، تهران، اساطیر.
ابن حوقل (۱۳۴۵). *صورة الارض*، ترجمهٔ جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
ابن خردادبه (۱۳۷۰). *المسالک و الممالک*، ترجمهٔ حسین قره‌چانلو، تهران، چاپخانهٔ مهارت.
ابن فقیه همدانی (۱۳۴۹). *مختصر البلدان*، بخش مربوط به ایران، ترجمهٔ ح. مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
ابوالفداء (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
ابودلف الخزرجی، مسعربن مهلهل (۱۳۴۲). *سفرنامهٔ ابودلف در ایران در سال ۳۴۱ هـق*، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمهٔ ابوالفضل طباطبایی، تهران، فرهنگ ایران زمین.
اشمیت، اریک (۱۳۷۶). *پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران*، ترجمهٔ آرمان شیشه‌گر، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۶۸). *مسالک و ممالک*، تصحیح ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات افشار.
امبر سز، ن.؛ ملویل، چ. پ. (۱۳۷۰). *تاریخ زمین لرزه‌های ایران*، ترجمهٔ ابوالحسن رده، تهران، آگاه.
انصاری دمشقی (۱۳۵۷). *نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر*، ترجمهٔ سید حمید طبیبیان، تهران، فرهنگستان ادب و هنر ایران.
بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*، ترجمه و مقدمه محمد توکل، تهران، نقره.
جیهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۸). *اشکال العالم*، ترجمهٔ علی بن عبدالسلام کاتب، مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، مشهد، آستان قدس رضوی.

خسروزاده، علیرضا، عالی، ابوالفضل (۱۳۸۳). توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقهٔ ماه نشان، مجموعه *مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزهٔ شمال غرب*، به کوشش مسعود آذرنوش، سازمان میراث فرهنگی، ۴۵-۷۰.

دومرگان، ژاک (۱۳۳۹). *جغرافیای غرب ایران*، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، تبریز، چهر.

دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۴). *اخبار الطّوال*، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی.

راولینسون، هنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون*، ترجمهٔ سکندر امان اللّهی بهاروند، تهران، آگاه.

شهبازی، سیاوش (۱۳۸۵). *گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان دره‌شهر*، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام (گزارش منتشر نشده).

ـــــــــ (۱۳۹۱). تبیین گاه‌نگاری پیش از تاریخ دشت سیمره، *گزارش‌های باستان‌شناسی* ۸ (ویژه‌نامهٔ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزهٔ غرب، کرمانشاه، آبان ۱۳۸۵)، تهران، میراث فرهنگی، ۶۹-۱۰۶.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۸). *تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)*، جلد ۱۵، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.

ـــــــــ (۱۳۸۴). *تاریخ الرسل والملوک (بخش ایران از آغاز تا سال ۳۱هجری)*، ترجمهٔ صادق نشأت، تهران، علمی و فرهنگی.

علیبیگی، سجاد (۱۳۹۱). آیا شیء گچی مکشوفه از محوطه چم‌نمشت نشان از یک آتشکدهٔ دورهٔ ساسانی دارد؟، *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، س چهارم، ش ۸، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۹۶-۲۰۲.

قدامة بن جعفر (۱۳۷۰). *الخراج*، ترجمهٔ حسین قره‌چانلو، تهران، البرز.

کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۶۸). دره‌شهر، در محمدیوسف کیانی، مجموعه *مقالات شهرهای ایران*، جلد ۳، تهران، جهاد دانشگاهی، ۳۴-۶۵.

گراوند، مرتضی؛ زینی‌وند، محسن (۱۳۹۲). پیشنهادی برای محل شهر ساسانی سیمره بر اساس متون تاریخی و مدارک باستان‌شناختی، ارائه شده در مجموعه *مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان*، دانشگاه تهران، آبان ۱۳۹۲، ۴۷۳-۴۸۴.

لسترنج، گای (۱۳۸۳). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمهٔی محمود عرفان، تهران علمی و فرهنگی.

لشگری، آرش و دیگران (۱۳۹۰). *کاوش نجات‌بخشی محوطهٔ برزقواله لرستان، حوضهٔ سد سیمره*، تهران، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (گزارش منتشرنشده).

لک‌پور، سیمین (۱۳۸۹). *کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر (سیمره)*، تهران، پازینه.

ـــــــــ (۱۳۷۸). معرفی خانهٔ اربابی، در مجموعه *مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، ارگ بم، جلد۱، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۸۷-۲۱۸.

محمدی‌فر، یعقوب؛ طهماسبی، الناز (۱۳۹۳). طبقه‌بندی سفال ساسانی درهٔ سیمره؛ مطالعهٔ موردی قلعهٔ سمیرم شاه، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دورهٔ ۴، ش ۷، ۱۳۳-۱۵۲.

محمدی‌فر، یعقوب؛ مترجم، عباس (۱۳۹۰). جولیان، آتشکدهٔ نویافتهٔ ساسانی در آبدانان ایلام، *باغ نظر*، س هشتم، ش ۱۹، تهران، مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، ۷۷-۸۷.

مرادی، ابراهیم (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل شهرها و آبادی‌های ناشناختهٔ شهرستان آبدانان در قرون اولیهٔ اسلامی، *فقه و تاریخ تمدن*، س ششم، ش ۲۳، ۸۴-۱۱۲.

مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲). *نزهة القلوب*، به اهتمام گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۸). *مروج‌الذهب*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.

———— (۱۳۸۱). *التنبیه و الاشراف*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.

مظاهری، خداکرم (۱۳۸۵). *گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دره سیمره*،۳ جلد، جهاد دانشگاهی واحد استان ایلام (گزارش منتشرنشده).

————(۱۳۹۱). متون کهن و ایالت ماسبذان در قرون اولیهٔ اسلامی، *در مجموعه مقالات اولین کنگره بزرگداشت امامزاده علی صالح (س)*، ادارهٔ کل اوقاف و امور خیریهٔ استان ایلام و دانشگاه آزاد اسلامی ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی ایلام، ۵۹- ۶۹ .

مقدسی، ابوعبدالله (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمهٔ علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

یاقوت، حموی (۱۳۶۲). *برگزیدهٔ مشترک یاقوت حموی*، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، تهران، امیرکبیر.

یعقوبی، ابن واضح (۱۳۴۷). *البلدان*، ترجمهٔ محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی.

————(۱۳۷۸). *تاریخ یعقوبی*، ترجمهٔ محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی.

Harrison, J. V. 1946. South west Persia – a survey of Pish-i- Kuh in Luristan, *Geographical Journal*, CVIII: 55 -71.

Stine, S. O. 1940. *Old routs in western Iran*, New York, Green Wood Press.